خداوند را به جلال اسم او توصیف نمایید. هدایا بیاورید و به حضور وی بیایید. خداوند را در زینت قدوسیت بپرستید.

اول تواریخ ۱۶: ۲۹

چنگ را بردار!

انسان آفریده شد تا خداوند را پرستش کند. خداوند چنگ را به انسان داد و گفت «تو برتر از تمام مخلوقاتی هستی که من آفریده‌ام و بزرگ‌ترین چنگ را نیز به تو داده‌ام. تعداد سیم‌های بیشتری را در چنگ تو قرار دادم و محدوده وسیع‌تری را نسبت به دیگر مخلوقات در اختیار تو گذاشتم. تو می‌توانی مرا به نحوی متفاوت از دیگر موجودات پرستش کنی.»...

خداوند پسر یگانه و محبوب خود را به روی زمین فرستاد تا جان خود را فدا کند، دفن شود، رستاخیز کند و بر دست راست خدای پدر بنشیند تا از این طریق بتواند جواهری را که از دست داده بودیم به ما بازگرداند؛ همان گوهر پرستش را! تا بتوانیم به سوی او بازگردیم و هدفی را که در ابتدا برایش ساخته شده بودیم، دوباره فرا بگیریم؛ خداوند را در زینت قدوسیت بپرستیم، تا محو زیبایی او شویم و از شگفتی او مبهوت بمانیم، تا به او احترام بگذاریم، تا او را احساس کنیم و به دیگران نشان دهیم، تا پرستش تمام وجود ما را فرا بگیرد و هیچ کاری انجام ندهیم مگر پرستش خدای زنده، تا هر عملی که انجام می‌دهیم پرستش خدای قادر مطلق باشد؛ پرستشی که از طریق یگانه فرزند او یعنی عیسای مسیح به انجام می‌رسد.

غم‌انگیزترین چیز در دنیای امروز این است انسان خداوند را گم کرده است. خداوند انسان را به صورت خود آفرید تا بتواند او را پرستش کند و شب و روز در مقابل او بنشیند و چنگ بنوازد ولی انسان خدا را گم کرد و چنگ را بر زمین انداخت. این چنگ اکنون بی‌صدا و بی‌استفاده بر روی زمین افتاده است.

## ای پدر آسمانی، کمکم کن تا این چنگ را بردارم و نواختن آن را بیاموزم تا بتوانم جلالی را که شایسته نام تو است به نمایش بگذارم. من به حضور تو آمده‌ام تا عمیقاً تو را بشناسم و بتوانم با تمام قلبم تو را پرستش کنم. آمین!

*برگرفته از آثار A. W. Tozer*